

The Role of Self -Differentiation Components in Predicting Marital Intimacy in Couples

Zohreh Rafezi  *

Assistant Professor of Psychology, Clinical and General Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Reyhaneh Saboori 

Master of General Psychology, Clinical and General Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Abstract: The aim of this study was to investigate the role of components of self-differentiation (Emotional Reactivity, Emotional Cut-off, I-Position and Fusion with Others) in predicting marital intimacy of couples. The research design was practical in terms of purpose and descriptive-correlational in terms of data collection. The population of this study consisted of all married men and women in Tehran in 2021 that a total of 100 people (50 women, 50 men) were selected as the sample size using the convenience sampling method. The research tools were Walker and Thompson (1983) Marital Intimacy Scale and Skowron and Schmitt (2003) differentiation of Self Inventory. Spearman correlation test and univariate regression analysis were used to analyze the data. Findings showed that among the subscales of self-differentiation, only the emotional cutoff had an inverse and significant relationship with marital intimacy and was able to explain 15.2% of the variance of marital intimacy ($P < 0.01$). According to the results of the present study, it can be concluded that emotional cutoff has an important role in marital intimacy and by reducing it, the intimacy in the marital relationship can be improved.


Keywords: Emotional Cut-off, Emotional Reactivity, Fusion with Others, I-Position, Marital intimacy, Self-differentiation

* Corresponding Author: Rafezi.zohreh13@gmail.com


How to Cite: Rafezi, Z., Saboori, R. (2022). The Role of Self -Differentiation Components in Predicting Marital Intimacy in Couples, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 13(51), 181-205.

نقش مؤلفه‌های خودتمایز یافتگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی در زوجین

استادیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

*  زهره رافعی

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

 ریحانه صبوری

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش مؤلفه‌های خودتمایز یافتگی (واکنش‌پذیری عاطفی، گریز عاطفی، جایگاه من و هم‌آمیختگی با دیگران) در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زوجین بود. طرح پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی - همبستگی بود. جامعه این پژوهش تمامی زنان و مردان متأهل شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس در مجموع ۱۰۰ نفر (۵۰ زن، ۵۰ مرد) به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش، مقیاس صمیمیت زناشویی والکر و تامپسون (۱۹۸۳) و فهرست تمایز یافتگی خود اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳)، بود. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی اسپیرمن و تحلیل رگرسیون تک‌متغیره استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد، از میان خرده‌مقیاس‌های خودتمایز یافتگی، صرفاً گریز عاطفی با صمیمیت زناشویی رابطه معکوس و معنادار داشته و قادر به تبیین ۱۵/۲ درصد از واریانس صمیمیت زناشویی است ($P < 0/01$). طبق نتایج پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت گریز عاطفی نقش مهمی در صمیمیت زناشویی داشته و با کاهش آن می‌توان صمیمیت در روابط زوجین را بهبود بخشید.

کلیدواژه‌ها: خودتمایز یافتگی، جایگاه من، صمیمیت زناشویی، گریز عاطفی، واکنش‌پذیری عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران.

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبائی است.

* نویسنده مسئول: Rafezi.zohreh13@gmail.com

مقدمه

بر مبنای رویکرد ارگانیزمی، انسان دارای نیازهای روان‌شناختی است که از میان آن‌ها می‌توان به نیاز تعلق و ارتباط^۱ اشاره کرد. ارتباط یعنی نیاز به برقراری پیوندی عاطفی با دیگران (ریو^۲، ۲۰۱۵) که ابتدا با اعضای نزدیک خانواده آغاز شده و سپس به سایر گروه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد (بیرد^۳، ۲۰۱۳). نیاز به برقراری ارتباط که به‌عنوان تنها پیش‌بینی‌کننده مفهوم صمیمیت به‌شمار می‌رود (ریه‌که سِکووک و بیس^۴، ۲۰۱۶) اصطلاحاً در میان زوج‌ها صمیمیت زناشویی^۵ نامیده شده و در ثبات و استحکام رابطه نقش بسزایی دارد (رسولی، ۱۳۹۵؛ صائی و همکاران، ۱۳۹۸). در ادبیات پژوهشی تعریف کاملاً روشنی از مفهوم صمیمیت وجود ندارد (یو و همکاران^۶، ۲۰۱۴) با این حال، روان‌شناسان تعاریف مختلفی از آن ارائه نمودند. از جمله اولین نظریه‌پردازان مفهوم صمیمیت می‌توان به اریک اریکسون^۷ اشاره کرد؛ صمیمیت از نگاه اریکسون نه تنها به رابطه جنسی محدود نشده بلکه به احساس توجه و تعهد، بدون ترس از دست‌دادن هویت اشاره دارد (شولتز^۸، ۱۹۹۰). استرنبرگ^۹ (۱۹۸۶) نیز صمیمیت را یکی از اضلاع مثلث عشق و عنصر هیجانی رابطه برمی‌شمرد که گرمی، نزدیکی، پیوستگی و میل به ارتقا سلامت دیگری^{۱۰} را دربردارد. همچنین، وین و وین^{۱۱} (۱۹۸۶) در تعریفی دیگر صمیمیت را تجربه‌ای درونی-ارتباطی^{۱۲} در نظر می‌گیرند که در کنار اعتماد به یکدیگر، خودافشایی^{۱۳} و

1. Relatedness
2. Reev, J.
3. Beard, M.
4. Reić Ercegovac, I., & Bubić, A.
5. Marital intimacy
6. Yoo, H et al.
7. Erikson, E.
8. Schultz, D. P.
9. Sternberg, R. J.
10. warmth, closeness, connectedness and desire to promote the welfare of the loved one
11. Wynne, L. C., & Wynne, A. R.
12. subjective- relational experience
13. self-disclosure

همدلی را نیز شامل می‌شود. ون‌دن بروک و همکاران (۱۹۹۵) نیز مدل چندوجهی از صمیمیت زناشویی ارائه داده و معتقدند که صمیمیت زناشویی دارای سه سطح فردی، زوجی و اجتماعی^۱ است. سطح فردی دربرگیرنده اصالت^۲ و خودافشایی، سطح زوجی دربرگیرنده شناخت، عاطفه و همبستگی رفتاری و سطح اجتماعی نیز در برگیرنده عبارات خصوصی^۳ است که صرفاً برای زوج معنادار است. این مدل به ایجاد و حفظ یک رابطه زناشویی رضایت‌بخش منجر شده و با بهزیستی روان‌شناختی همسران رابطه دارد. همچنین با مرور پیشینه پژوهشی، عوامل مرتبط با صمیمیت زناشویی شناسایی شده است. به‌طور مثال، مطالعات اخیر به رابطه صمیمیت زناشویی و کیفیت زندگی زوجین اشاره داشته و از آن به‌عنوان نیاز اساسی روان‌شناختی و یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رابطه زناشویی یاد کرده‌اند. علاوه‌براین، مطالعات به نقش مفهوم صمیمیت در سازگاری زناشویی، سلامت روان، کاهش خطر افسردگی، افزایش شادی و نشاط اشاره داشته و آن را عامل مهم افزایش رفاه و زندگی رضایت‌بخش در نظر می‌گیرند (کاردان‌سورکی و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین، نتایج مطالعه مهدی‌پوربازکیایی و صداقتی‌فرد (۱۳۹۴) با هدف بررسی رابطه بین رضایت‌زناشویی و صمیمیت زوجین با سازگاری در منزل نشان داد که رضایت و صمیمیت زناشویی زنان حدود ۱۴ درصد سازگاری آنان را تبیین می‌کند. به‌طورکلی، صمیمیت زناشویی با کیفیت زندگی زوج‌ها و همچنین سلامت روانی آن‌ها در ارتباط است.

ازجمله مهم‌ترین عوامل روان‌شناختی مؤثر بر صمیمیت زناشویی می‌توان به مفهوم خودتمایزیافتگی^۴ اشاره کرد (باقری و همکاران، ۱۳۹۹). مفهوم تمایزیافتگی که ابتدا توسط بوئن^۵ مطرح گردید، به معنای ایجاد مرزبندی‌های مشخص (بوئن، ۱۹۷۸)، وجود انعطاف‌پذیری و استفاده از نظام عقلانی است (نیکولز^۶، ۲۰۱۰). مفهوم تمایزیافتگی دارای

-
1. Individual, dyadic and social group level
 2. Authenticity
 3. Private Expressions
 4. Self-differentiation
 5. Bowen, M.
 6. Nichols, M. P.

دو سطح است؛ سطح درون‌فردی و سطح بین‌فردی. سطح درون‌فردی به معنی توانایی تفکیک فرایندهای عقلی از احساسی و سطح بین‌فردی به معنی توانایی تجربه خودمختاری در عین وجود صمیمیت است (بوئن، ۱۹۷۸). علاوه بر سطوح تمایز یافتگی خود، چهار عامل آن توسط اسکورون و فریدلندر^۱ (۱۹۹۸) نیز مشخص شده که بر فرآیندهای هیجانی درون خانواده مؤثر است. ۴ مؤلفه تمایز یافتگی خود عبارت‌اند از: واکنش‌پذیری عاطفی^۲، گریز عاطفی^۳، جایگاه من^۴ و همجوشی یا هم‌آمیختگی با دیگران^۵.

واکنش‌پذیری عاطفی به معنی حساسیت شدید، طغیان‌های عاطفی و هیجانات ناپایدار نسبت به محرک‌های محیطی است (اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸). این مفهوم دارای سه جنبه حساسیت عاطفی، شدت عاطفی و ماندگاری عاطفی^۶ است. افراد با واکنش‌پذیری عاطفی بالا، هنگام مواجهه با محرک‌های منفی، حساسیت عاطفی شدید از خود نشان داده و در بهبودی و بازیافتن تعادل هیجانی تأخیر دارند (یوان و همکاران^۷، ۲۰۲۲). همچنین، این افراد با عدم تفکیک عواطف از احساسات، واکنش شدید در برابر احساسات دیگران، تصمیم‌گیری بر اساس عواطف خود مواجه بوده از این‌رو قادر به تنظیم هیجانات خود نیستند (سیمون و همکاران^۸، ۲۰۱۹). با بررسی پیشینه پژوهشی، این مؤلفه بر رابطه زناشویی نیز اثرات قابل توجهی دارد برای مثال، پژوهش یوان و همکاران (۲۰۲۲) بیانگر رابطه منفی و معنادار بین واکنش‌پذیری عاطفی و کیفیت زناشویی بوده و نشان داد هرچه واکنش‌پذیری عاطفی فرد بالا باشد، واکنش‌های اجتنابی همسر نیز افزایش خواهد یافت. گریز عاطفی به‌عنوان دومین مؤلفه تمایز یافتگی خود به معنی فاصله‌گیری فیزیکی یا عاطفی از دیگران است که از دل‌بستگی هیجانی حل‌نشده‌ی دوران کودکی نشئت می‌گیرد (بوئن،

1. Skowron, E. A., & Friedlander, M. L.

2. Emotional reactivity

3. Emotional cutoff

4. I-position

5. Fusion with others

6. emotional sensitivity, emotional intensity and emotional persistence.

7. Yuan, Q et al.

8. Simon, H. L. M et al.

(۱۹۷۸). افراد با گریز عاطفی بالا در تعاملات اجتماعی دچار مشکل بوده و معمولاً از مواجهه با مسائل دشوار اجتناب می‌کنند (برزگر کهنمویی و همکاران، ۱۳۹۳). این الگوی رفتاری در تعاملات اجتماعی مانند روابط زناشویی نیز تکرار شده و عاملی تهدیدکننده برای استحکام و عمق رابطه محسوب می‌شود؛ بنابراین، هرچه گریز عاطفی بیشتر باشد، آسیب‌پذیری در روابط آینده نیز افزایش می‌یابد (بوئن، ۱۹۷۸). به طوری که شواهد نشان می‌دهد گریز عاطفی بیشتر به رضایت زناشویی کمتر منجر شده و زمینه اختلافات زناشویی، طلاق، دل‌سردی و خیانت از سوی همسر را نیز فراهم می‌کند (فعله کار و همکاران، ۱۳۹۸). از دیگر مؤلفه‌های تمایز یافتگی می‌توان به همجوشی با دیگران اشاره کرد. مفهوم همجوشی به معنی عدم توانایی تفکیک فکر از احساس و بیان ارزش‌های کاذب به جای عقاید واقعی بوده (شارف^۱، ۲۰۱۴) و وجود مثلث‌بندی و همانندسازی مفرط با والدین از جمله ویژگی‌های این مفهوم به شمار می‌رود (اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸). همچنین، تلاش برای خشنودی دیگران به منظور دریافت تأیید و حمایت، چسبندگی عاطفی و عدم وجود قدرت تصمیم‌گیری به طور مستقل، از جمله پیامدهای آن محسوب می‌شود (آریامنش، ۱۳۹۰). به طور کلی، به نظر می‌رسد افراد با سطح بالای همجوشی در ایجاد فردیت و تعیین مرزبندی‌های مشخص مشکل داشته و تصمیماتشان وابسته به نظر دیگران است. در مقابل، مفهوم جایگاه من بیانگر توانایی فرد برای حفظ هویت خود و همچنین مقاومت در برابر فشارهای بیرونی است. افراد با این ویژگی، نسبت به عقاید و ارزش‌های خود آگاه بوده و هنگام تعارض با دیگران به نظام ارزشی خود متعهد باقی می‌مانند (بوسر و همکاران^۲، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، آزادانه قادر به شرکت در فضای عاطفی بدون ترس از امتزاج با دیگران هستند (بوئن، ۱۹۷۸).

با بررسی مطالعات اخیر مشخص شده است که مفهوم تمایز یافتگی خود نقش بسزایی در سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روابط زوجی دارد (لامپیس و کاتادلا^۳، ۲۰۱۹). به طور

-
1. Sharf, R. S.
 2. Buser, T. J et al.
 3. Lampis, J., & Cataudella, S.

مثال شواهد نشان می‌دهد زوج‌های تمایز یافته، در کنار روابط صمیمانه و انعطاف‌پذیر، هنگام مواجهه با عقاید متفاوت، تاب‌آوری بیشتر و واکنش‌پذیری عاطفی کمتری نشان می‌دهند در حالی که زوج‌های با تمایز یافتگی پایین، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای روابط صمیمانه دارند (کر و بوئن^۱، ۱۹۸۸ به نقل از مقیمی و همکاران، ۱۳۹۹). نتایج پژوهش ایشیک و همکاران^۲، (۲۰۲۰) نیز باهدف بررسی نقش میانجی سازگاری زناشویی در ارتباط با تمایز خود و رضایت از زندگی نشان داد که تمایز یافتگی خود با سطوح بالاتر سازگاری زناشویی مرتبط بوده و به رضایت از زندگی منجر می‌شود. شواهد پژوهش طالبی و غباری‌بناب (۱۳۹۱) باهدف بررسی رابطه خودتمایز یافتگی و هوش هیجانی با رضایت زناشویی زنان متأهل شهرستان شاهرود بیانگر رابطه مثبت خودتمایز سازی و رضایت زناشویی بوده و نتایج رگرسیون هم‌زمان نشان داد که مؤلفه‌های خودتمایز سازی و هوش هیجانی حدود ۷۰ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند. همچنین، نتایج پژوهش فریتاس^۳ (۲۰۱۸) باهدف بررسی رابطه خودتمایز یافتگی و سازگاری زناشویی نیز نشان‌دهنده رابطه مثبت بین تمایز یافتگی خود و سازگاری زناشویی در تمامی مراحل زندگی بود. همچنین، نتایج پژوهش رودریگز-گونزالس و همکاران^۴ (۲۰۱۹) باهدف بررسی رابطه خودتمایز یافتگی با پریشانی روان‌شناختی و سازگاری بین زوج‌ها نشان داد که گریز عاطفی زنان بر پریشانی روان‌شناختی و سازگاری متقابل همسران آن‌ها تأثیر منفی دارد. در مورد شرکت‌کنندگان مرد نیز نتایج مشابهی به دست آمد اما رابطه معناداری با پریشانی روان‌شناختی یافت نشد. به‌طور کلی نتایج فوق، از مفروضات اساسی بوئن مبنی بر وجود واحدی عاطفی میان همسران تمایز یافته و وجود مرزبندی‌های مشخص (بوئن، ۱۹۷۸)، حمایت می‌کند. با این حال، شواهد مخالفی نیز وجود دارد که حاکی از عدم وجود رابطه بین تمایز یافتگی خود و صمیمیت زناشویی است. به‌طور مثال، نتایج پژوهش قاسمی و فتحی (۱۳۹۸) با هدف بررسی نقش تمایز یافتگی و سبک‌های دلبستگی در

1. Kerr, M., & B. Bowen, M.

2. Işık, E et al.

3. Freitas, A. J. A. S. P.

4. Rodríguez-González, M et al.

پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زوج‌های متأهل شهر زنجان نشان داد که تمایز یافتگی و ابعاد آن توان پیش‌بینی صمیمیت زناشویی را ندارند در حالی که پژوهش رضوانی و صائمی (۱۳۹۸) باهدف تعیین همبستگی بین تمایز یافتگی و نوروگرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل شهر آزادشهر در سال ۱۳۹۶ بیانگر کاهش طلاق عاطفی در نتیجه‌ی افزایش خودتمایز یافتگی و کاهش نوروگرایی بود. سایر پژوهش‌ها شامل بررسی تأثیر غیرمستقیم خودتمایز یافتگی بر تعهد زناشویی با نقش میانجی صمیمیت (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۹)، پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس صمیمیت با نقش میانجی تمایز یافتگی (زارع‌گاریزی و همکاران، ۱۳۹۹) و بررسی رابطه صمیمیت و تمایز یافتگی با سبک‌های دل‌بستگی در دانشجویان بود (آقایی و موسوی، ۱۳۹۹).

باتوجه به شواهد به‌دست‌آمده از مرکز آمار ایران، طلاق‌های ثبت‌شده در نقاط شهری تا سال ۱۳۹۹ شامل ۱۷۰۶۸۸ مورد طلاق بوده (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰) بنابراین اهمیت پرداختن به مطالعات حوزه خانواده و صمیمیت زناشویی در راستای کاهش نرخ طلاق پرواضح و امری ضروری به نظر می‌رسد. با در نظر داشتن مطالعات پیشین و با توجه به اهمیت سازه صمیمیت زناشویی، نقش هریک از مؤلفه‌های تمایز یافتگی در ارتقا آن چندان مورد توجه نبوده و لازم است در این حوزه پژوهش‌های بیشتری انجام شود. از این‌رو پژوهش حاضر باهدف پاسخگویی به این سؤال که کدام‌یک از مؤلفه‌های خودتمایز یافتگی نقش بیشتری در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی ایفا می‌کند، طراحی و انجام شد.

روش

طرح پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها توصیفی - همبستگی بود. در این پژوهش به بررسی و کشف روابط احتمالی بین صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی خود و پیش‌بینی صمیمیت زناشویی بر اساس تمایز یافتگی خود پرداخته شد. جامعه این پژوهش متشکل از تمامی زنان و مردان متأهل شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بود. برای انجام این پژوهش نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر زن و ۵۰ نفر مرد) بر اساس فرمول

گرین ($N \geq 50+8$) (تاباکنیک و فیدل^۱، ۲۰۱۳) در نظر گرفته شد. در این فرمول حجم نمونه N و تعداد متغیرهای پیش‌بین m است. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر تعداد متغیرهای پیش‌بین ۴ بود، حداقل حجم نمونه ۸۲ نفر بود، ولی به علت امکان ریزش، ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شدند. شیوه جمع‌آوری داده‌ها کمی و به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه‌های معتبر بود. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل تأهل، سکونت در شهر تهران، سطح تحصیلات حداقل سیکل، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و معیارهای خروج از پژوهش شامل عدم پاسخگویی به پرسشنامه‌ها به‌طور کامل بود. جهت دستیابی به نمونه‌های موردنظر، به علت وجود بیماری کرونا و عدم ارتباط حضوری، تهیه لینک پرسشنامه‌ها از طریق گوگل درایو انجام شده و به مدت ۲ ماه از اردیبهشت الی خرداد ماه سال ۱۴۰۰ در شبکه‌های اجتماعی از قبیل واتساپ و تلگرام به اشتراک گذاشته شد به‌طوری که در این بازه زمانی از مخاطبان درخواست شد در صورت تأهل و سکونت در شهر تهران، به تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام نمایند. همچنین در طی انجام پژوهش، اصول اخلاقی از قبیل کسب رضایت آگاهانه، حفظ اصول رازداری و محرمانگی اطلاعات از جانب پژوهشگران رعایت گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها از آمار توصیفی جهت بررسی ویژگی جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، نمرات پرسشنامه‌های پژوهش و همچنین بررسی شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی استفاده شد. سپس در بخش آمار استنباطی، به‌منظور تعیین توزیع داده‌ها، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۲ مور استفاده قرار گرفت. باتوجه به اینکه داده‌ها از توزیعی نرمال برخوردار نبودند، آزمون ناپارامتریک اسپیرمن جهت تعیین رابطه میان متغیرها و همچنین رگرسیون خطی جهت پاسخ به سؤال پژوهش به کار گرفته شد. ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش حاضر نیز شامل مقیاس صمیمیت زناشویی^۳ والکر و تامپسون^۴ (۱۹۸۳) و فهرست تمایزیافتگی خود^۱ اسکورون و اسمیت^۲ (۲۰۰۳) بود.

1. Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S.

2. Kolmogorov-Smirnov

3. Marital Intimacy Scale

4. Walker, A. J., & Thompson, L.

مقیاس صمیمیت زناشویی. این مقیاس ۱۷ گوی‌های توسط والکر و تامپسون (۱۹۸۳) باهدف سنجش صمیمیت در رابطه، ساخته شده و نمره‌گذاری آن بر اساس لیکرت ۷ درجه‌ای است. همچنین آلفاکرونباخ در دامنه ۰/۹۷ تا ۰/۹۱ گزارش شده است (والکر و تامپسون، ۱۹۸۳). موحدی و همکاران (۱۳۹۳) آلفاکرونباخ این ابزار را ۰/۹۷ و روایی را از طریق همبستگی آن با گویه کلی ۰/۸۸ گزارش کردند. همچنین، آلفاکرونباخ در پژوهش حاضر برابر است با ۰/۹۷۱ که نشان‌دهنده پایایی عالی پرسشنامه است. نمره صمیمیت از جمع نمرات عبارات و تقسیم آن‌ها بر ۱۷ حاصل شده و نمرات بالاتر، نشان‌دهنده صمیمیت بیشتر در رابطه است (غیائی، ۱۳۹۲).

فهرست تمایزیافتگی خود. فهرست استاندارد تمایزیافتگی خود، فهرستی ۴۶ سؤالی است که توسط اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) به منظور سنجش تمایزیافتگی افراد طراحی شده و توسط اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) مورد تجدیدنظر واقع شده است. این پرسشنامه متمرکز بر ارتباط‌های مهم زندگی و روابط جاری افراد با خانواده اصلی و دارای ۴ خرده‌مقیاس است. نمره‌گذاری آن بر اساس لیکرت ۶ درجه‌ای است؛ به گزینه ۱ نمره ۱ و به گزینه ۶ نمره ۶ تعلق خواهد گرفت. تمامی سؤالات به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند به جز سؤالات ۴-۷-۱۱-۱۵-۱۹-۲۳-۲۷-۳۱-۳۷-۴۱-۴۳. حداکثر نمره ۲۷۶ است و نمرات بالا به تمایزیافتگی بیشتر و نمرات پایین به تمایزیافتگی کمتر نیز اشاره دارد (ترابی، ۱۳۸۷). پرسشنامه مذکور در ایران توسط اسکیان^۳ (۱۳۸۴) هنجاریابی شده است و آلفاکرونباخ ۰/۸۱ به دست آمده است (به نقل از باقری و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین، یونسی (۱۳۸۶) آن را هنجاریابی نموده و همسانی درونی را ۰/۸۳ و پایایی را از طریق روش بازآزمایی ۰/۸۷ اعلام نموده است (یونسی، ۱۳۸۶). محاسبه پایایی خرده‌مقیاس‌های خودتمایزیافتگی نیز توسط اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) انجام شده است که عبارت است

-
1. Differentiation of Self Inventory
 2. Skowron, E. A., & Schmitt, T. A.
 3. Oskian, P.

از آلفاکرونباخ کل مقیاس = ۰/۹۲، هم‌آمیختگی با دیگران = ۰/۸۶، واکنش‌پذیری عاطفی = ۰/۸۹، موقعیت من = ۰/۸۱ و گریز عاطفی = ۰/۸۴ (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳). همچنین پایایی محاسبه‌شده توسط اسکورون و فریدلندر ۰/۸۸ گزارش شده است (اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸). آلفاکرونباخ در پژوهش حاضر نیز برابر است با ۰/۸۹۳ که به پایایی مناسب پرسشنامه اشاره می‌کند. همچنین، پایایی خرده‌مقیاس‌های تمایزیافتگی خود در پژوهش حاضر نیز به شرح زیر است؛ آلفاکرونباخ واکنش‌پذیری عاطفی = ۰/۸۰۷ و نشان‌دهنده پایایی مناسب است. آلفاکرونباخ جایگاه من = ۰/۷۹۵ و بیانگر پایایی قابل قبول است. آلفاکرونباخ گریز عاطفی = ۰/۶۴۹ نشان‌دهنده پایایی مطلوب اما نیازمند بررسی بیشتر است. آلفاکرونباخ هم‌آمیختگی با دیگران = ۰/۸۰۰ که نشان‌دهنده پایایی مناسب است.

سرانجام، تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS26 و به روش آزمون همبستگی اسپیرمن و تحلیل رگرسیون تک‌متغیره انجام گرفت.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا به ویژگی‌های توصیفی و سپس ویژگی‌های استنباطی پژوهش پرداخته می‌شود. همان‌طور که گفته شد، جامعه پژوهش شامل تمامی زنان و مردان متأهل شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بود که ۱۰۰ نفر از آن‌ها به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نیمی از آزمودنی‌ها زن و نیمی دیگر مرد بودند که از مدت‌زمان ازدواج آن‌ها بین ۰ تا ۳۲ سال می‌گذرد. میانگین سنی آن‌ها $35/54 \pm 9/53$ ، کمترین آن‌ها ۲۱ و بیشترین آن‌ها ۶۲ سال داشتند. تقریباً نیمی از آزمودنی‌ها دارای فرزند و تحصیلات تکمیلی بودند (جدول ۱ و جدول ۲).

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، مقدار و درصد فراوانی آن‌ها (N=۱۰۰)

مشخصه	وضعیت مشخصه	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۵۰	۵۰/۰
	مرد	۵۰	۵۰/۰
تحصیلات	دبیرستان و دیپلم	۱۴	۱۴/۰

مشخصه	وضعیت مشخصه	فراوانی	درصد فراوانی
	فوق‌دیپلم و کارشناسی	۴۰	۴۰/۰
	کارشناسی ارشد و دکترا	۴۶	۴۶/۰
تعداد فرزندان	۰	۴۵	۴۵/۰
	۱	۲۷	۲۷/۰
	۲	۲۶	۲۶/۰
	۳	۲	۲/۰

جدول ۲. آماره‌های توصیفی سن، مدت‌زمان ازدواج و پرسشنامه‌های پژوهش (n=۱۰۰)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	میان	کمترین	بیشترین
سن	۳۵/۵۴	۹/۵۳	۳۲/۵۰	۲۱	۶۲
مدت‌زمان ازدواج	۹/۴۹	۸/۷۱	۶/۰۰	۰	۳۲
صمیمیت زناشویی	۵/۶۵	۱/۲۳	۵/۹۷	۱/۰۰	۷/۰۰
واکنش‌پذیری عاطفی	۳۹/۵۴	۱۰/۱۸	۴۱/۰۰	۱۳	۶۳
جایگاه من	۴۲/۴۱	۸/۰۱	۴۳/۰۰	۲۰	۶۱
گریز عاطفی	۳۳/۷۶	۸/۲۵	۳۳/۰۰	۱۶	۵۴
هم‌آمیختگی با دیگران	۴۲/۴۹	۹/۲۹	۴۲/۵۰	۲۳	۶۲
تمایزیافتگی خود	۱۷۳/۸۶	۲۹/۶۸	۱۷۴/۰۰	۱۰۴	۲۵۲

طبق جدول ۲ میانگین نمره صمیمیت زناشویی برابر با $5/65 \pm 1/23$ ، بیشترین و کمترین نمره آن به ترتیب برابر با ۱/۰۰ و ۷/۰۰ بوده و نمرات بالاتر نشان‌دهنده صمیمیت بیشتر است. همچنین، نمره خودتمایزیافتگی بین ۱۰۴ تا ۲۵۲ و میانگین نمرات شرکت‌کنندگان $173/86 \pm 29/68$ بوده و نمرات بالاتر نشان‌دهنده تمایزیافتگی بیشتر است.

در این بخش ابتدا به بررسی همبستگی متغیرهای تمایزیافتگی خود و ۴ خرده‌مقیاس آن با متغیر صمیمیت زناشویی پرداخته می‌شود. سپس با استفاده از رگرسیون خطی چگونگی ارتباط میان متغیر تمایزیافتگی خود با صمیمیت زناشویی مورد بررسی قرار می‌گیرد. براین اساس، ابتدا توزیع متغیر پیش‌بین و ملاک از نظر نرمال بودن مورد بررسی قرار گرفت و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بر روی تمامی متغیرها اعمال گردید. نتایج حاصل از آن نشان داد که سطح معناداری متغیر صمیمیت زناشویی کوچک‌تر از ۰/۰۱

بوده از این رو، فرض صفر یا نرمال بودن توزیع این متغیر برقرار نشد. از آنجایی که توزیع متغیر ملاک، نرمال نبود برای به دست آوردن ضریب همبستگی از آزمون ناپارامتریک اسپیرمن استفاده شد.

جدول ۳. ضریب همبستگی آزمون اسپیرمن بین متغیرهای پژوهش ($n=100$)

متغیر	واکنش‌پذیری عاطفی	جایگاه من	گریز عاطفی	هم‌آمیختگی با دیگران	تمایز یافتگی خود	صمیمیت زناشویی
واکنش‌پذیری عاطفی	۱					
جایگاه من	-۰/۲۹۱**	۱				
گریز عاطفی	۰/۵۱۲**	۰/۱۱۱	۱			
هم‌آمیختگی با دیگران	۰/۶۴۵**	-۰/۳۴۷**	۰/۲۹۷**	۱		
تمایز یافتگی خود	-۰/۸۷۴**	۰/۵۰۶**	-۰/۵۷۵**	-۰/۷۹۵**	۱	
صمیمیت زناشویی	-۰/۱۷۰	۰/۱۱۷	-۰/۳۶۳**	۰/۰۵۷	۰/۱۹۵	۱

(** $P \geq 0/01$ و * $P \geq 0/05$)

جدول ۳ ضرایب همبستگی حاصل از آزمون اسپیرمن بین متغیر تمایز یافتگی خود و ۴ خرده‌مقیاس آن با متغیر صمیمیت زناشویی را نشان می‌دهد. طبق جدول فوق، خرده‌مقیاس گریز عاطفی با ضریب همبستگی $-0/363$ در سطح معناداری کوچک‌تر از $0/01$ بیانگر رابطه معنادار و معکوس با صمیمیت زناشویی است. به عبارتی گریز عاطفی بیشتر، صمیمیت کمتری را در رابطه زناشویی پیش‌بینی می‌کند. علاوه بر این با توجه به این جدول، میان متغیر تمایز یافتگی خود و سه خرده‌مقیاس دیگر با صمیمیت زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد؛ بنابراین، با توجه به ضریب همبستگی میان گریز عاطفی و صمیمیت زناشویی، رگرسیون خطی صرفاً برای این دو متغیر مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۴ نتایج و جدول ۵ ضرایب رگرسیون خطی آن‌ها را نشان می‌دهند.

جدول ۴. نتایج رگرسیون خطی خرده‌مقیاس گریز عاطفی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی

(n=۱۰۰)

شاخص‌ها	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	R	R ²	Adjusted R ²	Durbin-Watson
رگرسیون	۲۲/۷۲۵	۱	۲۲/۷۲۵	۱۷/۶۰۵	۰/۰۰۰	۰/۳۹۰	۰/۱۵۲	۰/۱۴۴	۱/۷۳۹
باقیمانده	۱۲۶/۴۹۷	۹۸	۱/۲۹۱						
کل	۱۴۹/۲۲۱	۹۹							

در جدول ۴، مقدار ضریب همبستگی ($R=0/390$)، ضریب تعیین ($R^2=0/152$) و همچنین ضریب تعیین اصلاح‌شده ($Adjusted R^2=0/144$) نشان می‌دهند که این مدل رگرسیونی درصدی از تغییرات متغیر وابسته را تحت پوشش قرار می‌دهد.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون خطی خرده‌مقیاس گریز عاطفی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی

متغیر پیش‌بین	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد			فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	
	β	خطای معیار	β	T	P	حد پایین	حد بالا
ثابت	۷/۶۰۹	۰/۴۸۱		۱۵/۸۲۴	۰/۰۰۰	۶/۶۵۵	۸/۵۶۴
گریز عاطفی	-۰/۰۵۸	۰/۰۱۴	-۰/۳۹۰	-۴/۱۹۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۸۶	-۰/۰۳۱

(n=۱۰۰)

طبق جدول ۵ ضریب استاندارد خرده‌مقیاس گریز عاطفی و صمیمیت زناشویی ($-0/390$) با سطح معناداری $0/000$ ($P < 0/01$) در فاصله اطمینان ۹۵ درصدی معنادار است به طوری که با افزایش یک واحد گریز عاطفی، حدود $0/3$ صمیمیت زناشویی کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از بررسی سؤال پژوهش مبنی بر اینکه کدام‌یک از مؤلفه‌های خودتماز یافتگی نقش بیشتری در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی ایفا می‌کند نشان داد که از میان زیرمقیاس‌های خودتماز یافتگی، صرفاً گریز عاطفی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی

نقش داشته و رابطه‌ی آن با صمیمیت زناشویی معکوس و معنادار بود به‌طوری که هرچه گریز عاطفی بیشتر باشد، صمیمیت در رابطه زناشویی نیز کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش تیموری آسفیچی و همکاران (۱۳۹۱)، بیرامی و همکاران (۱۳۹۱)، رییس‌الساداتی و همکاران (۱۳۹۴)، یوسفی و عزیزی (۱۳۹۷)، رودریگز-گونزالس و همکاران^۱ (۲۰۱۶) و رودریگز-گونزالس و همکاران (۲۰۱۹) با یافته فوق همخوان است. برای نمونه پژوهش آسفیچی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که گریز عاطفی با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار دارد و ۱۲/۹ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. همچنین، رییس‌الساداتی و همکارانش (۱۳۹۴) در پژوهش خود نیز نشان دادند که زیرمقیاس گریز عاطفی ۰/۶۹۷ درصد از سازگاری زناشویی را تبیین می‌کند درحالی که نتایج پژوهش قاسمی و فتحی (۱۳۹۸) با یافته‌های پژوهش ناهمخوان بوده و نشان داد که ابعاد تمایز یافتگی خود توان پیش‌بینی صمیمیت زناشویی را ندارند. وجود این ناهمخوانی در نتایج پژوهش‌های اخیر احتمالاً به سطح تمایز یافتگی افراد مرتبط است برای مثال در پژوهش قاسمی و فتحی (۱۳۹۸) که در شهر زنجان انجام گرفت، یکی از علت‌های احتمالی در عدم معناداری رابطه بین تمایز یافتگی خود و صمیمیت زناشویی، سطوح متوسط تمایز یافتگی افراد شرکت‌کننده و همچنین، خرده‌فرهنگ‌های مکان مورد مطالعه بود. با این حال در تبیین یافته پژوهش حاضر می‌توان گفت افرادی که در مواجهه با شرایط تنش‌زا، تحت فرافکنی اعضای خانواده قرار می‌گیرند، از آنان فاصله گرفته و استقلال‌ی ناسالم را پرورش می‌دهند (حسن‌زاده، ۱۳۹۲). در واقع آنان که صمیمیت را تهدیدی علیه خودمختاری به شمار می‌آورند (لامپیس و همکاران^۲، ۲۰۱۷) با فرار از پیوندهای عاطفی حل‌نشده و کناره‌گیری فیزیکی یا عاطفی، در برقراری ارتباط با دیگران دچار مشکل شده (برزگر کهنمویی و همکاران، ۱۳۹۳) و با ایجاد تعارضات بین‌فردی، به حفظ استقلال خود می‌پردازند (لامپیس و همکاران، ۲۰۱۷). این نوع سبک‌رفتاری متعاقباً در زندگی زناشویی

1. Rodríguez-González, M et al.

2. Lampis, J et al.

نیز تکرار شده و مانع از حفظ استحکام و پایداری روابط می‌شود (پروچاسکا و نورکراس^۱، ۲۰۱۳؛ بوئن، ۱۹۷۸) بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عدم پاسخگویی به نیازهای عاطفی و ترس ازدست‌دادن استقلال در روابط صمیمانه، فرد را به سوی سبک‌های مقابله‌ای از نوع فاصله‌گیری هیجانی و استقلال افراطی در برابر دیگران سوق می‌دهد. این سبک رفتاری گرچه در ابتدا نقش حفاظتی داشته ولی به کارگیری آن به‌طور اغراق‌آمیز و ناکارآمد در رابطه زناشویی، مانع از بیان احساسات و نیازهای فرد شده و از احساس همدلی، نزدیکی و صمیمیت با همسر می‌کاهد. همچنین، آنان در زندگی زناشویی از راهبردهای مسئله‌مدار نیز اجتناب نموده (بوئن، ۱۹۷۸) از این‌رو احتمالاً با اجتناب تجربه‌ای، از بحث و مشارکت در جهت رفع مشکلات موجود در رابطه زناشویی نیز کناره گرفته و عدم پاسخگویی به نیازهای همسر به تجارب ناخوشایند عاطفی مبدل می‌شود.

از سوی دیگر در پژوهش حاضر، رابطه معناداری میان سایر زیرمقیاس‌های تمایز یافتگی و صمیمیت زناشویی یافت نشد. یافته مذکور با نتایج پژوهش‌های پیشین از جمله رودریگز-گونزالس و همکاران (۲۰۱۹)، ایشیک و همکاران (۲۰۲۰)، زارع‌گاریزی و همکاران (۱۳۹۹) و برزگر کهنمویی و همکاران (۱۳۹۳) که بر رابطه معنادار زیرمقیاس‌های تمایز یافتگی خود و روابط زناشویی رضایت‌بخش اشاره دارد، ناهمخوان است. نتایج پژوهش حاضر در حوزه واکنش‌پذیری عاطفی و صمیمیت زناشویی بیانگر عدم رابطه معناداری بین این دو متغیر بود. احتمالاً این عدم معناداری به پراکندگی بالای نمونه‌های پژوهشی مربوط است. با این حال، نتایج پژوهش به رابطه منفی بین آن‌ها اشاره دارد. واکنش‌پذیری عاطفی با حساسیت شدید، طغیان‌های عاطفی و هیجانات ناپایدار نسبت به محرک‌های محیطی همراه بوده (اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸) و مشکل در تنظیم هیجانات و تصمیم‌گیری منطقی را به همراه دارد (سیمون و همکاران^۲، ۲۰۱۹) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً غلبه هیجانات بر تصمیمات فرد، امکان ارائه راه‌حل‌های منطقی و مدیریت رفتاری را سلب نموده و دسترسی به راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان

1. Prochaska, J. O., Norcross, J. C.

2. Simon, H. L. M et al.

و متعاقباً رفتارهای مطلوب زناشویی را با مشکل مواجه می‌سازد؛ بنابراین عدم تعدیل شدت و مدت هیجانی، فرد را از نیل به اهداف زناشویی مانند بیان سازنده هیجانات، درک متقابل و توجه به احساسات همسر بازداشته و از صمیمیت و نزدیکی عاطفی می‌کاهد. همچنین، در رابطه با نتایج حاصل از مؤلفه جایگاه من می‌توان گفت از آنجایی که جستجو و یافتن هویت در فرهنگ‌های جمع‌گرا از عضویت در گروه نشئت می‌گیرد، افراد صرفاً با اتصال به گروه‌های اجتماعی قادر به ارائه تصویر مشخصی از خود هستند (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱) از این رو داشتن هویتی مشخص، از طریق پیوندهای اجتماعی تعریف شده و با آنچه در فرهنگ‌های فردگرا شناخته می‌شود متفاوت است. همچنین طبق گفته اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) از جمله ویژگی‌های مؤلفه جایگاه من، عدم وابستگی عزت‌نفس افراد به نظر دیگران و مفهوم قاطعیت است در حالی که قاطعیت در روابط نزدیک به‌عنوان عامل برهم‌زننده هماهنگی و سازش بین فردی در فرهنگ‌های جمع‌گرا شناخته شده (لویی و همکاران^۱، ۲۰۲۰) و حمایت‌های اجتماعی^۲ و تأیید دیگران نقش مهمی در تعیین عزت‌نفس آنان دارد (چانگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۸) بنابراین احتمالاً عدم معناداری رابطه فوق، به ناهمخوانی مفهوم جایگاه من در سنت جمع‌گرایی مرتبط است. از سویی دیگر، یافته‌های پژوهش به عدم رابطه معنادار بین صمیمیت زناشویی و هم‌آمیختگی با دیگران اشاره دارد. بوئن (۱۹۷۸) در نظریه خود به تعادل عاطفی اندک در انتهای مقیاس تمایز یافتگی اشاره داشته باین حال بالاترین عملکرد را در بافت خانوادگی آن نشان می‌دهد. وابستگی عاطفی به افراد مهم زندگی از جمله ویژگی‌های این مؤلفه است (آریامنش، ۱۳۹۰) که در فرهنگ‌های جمع‌گرا به‌عنوان راهبردی برای مقابله با شرایط تنش‌زا به شمار می‌رود (پلگ و همکاران^۴، ۲۰۱۹) بنابراین، عدم به‌کارگیری آن احتمالاً با بی‌توجهی به عقاید و احساسات دیگران، عدم تبعیت از هنجارها و انتظارات خانوادگی و همچنین گسسته‌شدن پیوندهای اجتماعی در نظر گرفته شده و می‌توان آن را تبیین احتمالی

1. Lui, P. P et al.

2. Social Support

3. Chang, C. W et al.

4. Peleg, O et al.

برای عدم معناداری رابطه فوق در نظر گرفت. به‌طور کلی، در تبیین یافته‌های فوق می‌توان گفت که صمیمیت زناشویی از گریز عاطفی بیشتر از سایر خرده‌مقیاس‌ها تأثیر پذیرفته و عدم معناداری سایر مؤلفه‌ها را شاید بتوان به فرهنگ و نمونه مورد پژوهش نسبت داد. همان‌طور که سایر پژوهش‌ها (پلگ و راهال^۱، ۲۰۱۲؛ کیم و همکاران^۲، ۲۰۱۵؛ پلگ و همکاران، ۲۰۱۹) نیز تأیید کرده‌اند، ارزش‌های فرهنگی جمع‌گرایی-فردگرایی^۳ بر مؤلفه‌های تمایز یافتگی تأثیرگذار است. برای نمونه پژوهش پلگ و همکاران (۲۰۱۹) بیانگر تمایز یافتگی اندک و گریز عاطفی بالا در بین فرهنگ‌های جمع‌گرا به‌ویژه کشورهای عربی نسبت به کشورهای اروپایی بود. همچنین، نتایج پژوهش گونزالس و همکاران (۲۰۲۰) نشان‌دهنده واکنش‌پذیری عاطفی بیشتر افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا در مقایسه با فرهنگ‌های فردگرا بود. به‌طور کلی نگرش‌هایی از قبیل محافظه‌کاری اجتماعی^۴، سنت‌گرایی^۵، انطباق اجتماعی^۶ (زیگلر-هیل و شکلفورد^۷، ۲۰۲۰) و به‌ویژه مفهوم وابستگی متقابل بیش از فردیت مورد توجه فرهنگ‌های جمعی بوده (شارف، ۲۰۱۴) در حالی که فقدان مرزبندی‌های مشخص بین‌فردی، در فرهنگ فردگرا امری مسئله‌ساز به‌شمار می‌رود (نیکولز، ۲۰۱۰)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عدم معناداری یافته‌ی فوق به بافت فرهنگی غالب وابسته بوده و احتمالاً سبک‌های تربیتی و نحوه‌ی ارتباطات خانوادگی که متأثر از ارزش‌های فرهنگی است، در تعریف مفهوم خودتمایز یافتگی بین خانواده‌های ایرانی نقش بسزایی دارد. از آنجایی که مفهوم خودتمایز یافتگی سازه‌ای غربی بوده و در نظام ارزشی فرهنگ‌های شرقی امری غریب به نظر می‌رسد، احتمالاً مضمون آن همسو با اجتناب یا استقلال افراطی در نظر گرفته شده از این رو در پژوهش حاضر از میان

-
1. Peleg, O., & Rahal, A.
 2. Kim, H et al.
 3. Collectivism-Individualism
 4. Social Conservatism
 5. Traditionalism
 6. Social Conformity
 7. Zeigler-Hill, V., & Shackelford, T. K.

سایر خرده‌مقیاس‌های تمایزیافتگی، صرفاً رابطه‌گریز عاطفی و صمیمیت زناشویی معنادار شده است.

این پژوهش همانند سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشت که از جمله می‌توان به شرایط اجرای غیرحضور و مجازی پژوهش به علت شیوع ویروس کرونا اشاره کرد که امکان نظارت دقیق بر روند تکمیل پرسشنامه‌ها را نمی‌داد، همچنین در نظر نگرفتن نقش متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای نظیر جنسیت و مدت‌زمان ازدواج زوجین از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بود. از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده این متغیرها نیز مدنظر قرار گیرد و تکمیل پرسشنامه‌ها به‌طور حضوری انجام شود. به‌طور کلی نتایج پژوهش حاضر حاکی از نقش مهم گریز عاطفی در پیش‌بینی منفی صمیمیت زناشویی در مقایسه با سایر زیرمقیاس‌های تمایزیافتگی خود است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های مداخله‌ای جهت ارتقا صمیمیت زوجین نسبت به این مؤلفه توجه بیشتری شود.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله بر خود لازم می‌دانیم از تمامی افرادی که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنیم.

تعارض منافع

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم در رشته روان‌شناسی عمومی از دانشگاه علامه طباطبائی است. همه نویسندگان این مقاله متناسب با ترتیب ذکر شده در تدوین و نگارش مقاله سهم داشته و همگی ترتیب اسامی و نویسنده مسئول را پذیرفته‌اند و هیچ‌گونه تعارض منافی میان ایشان وجود ندارد.

منابع

- آریامنش، صابر. (۱۳۹۰). مقایسه تمایز یافتگی بین زوجین رضایت‌مند و زوجین دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هرمزگان.
- آقایی، آلاله و موسوی، سیده‌مریم. (۱۳۹۹). رابطه سبک‌های دلبستگی با تمایز یافتگی خود، انعطاف‌پذیری شناختی و صمیمیت زناشویی در دانشجویان. *رویش روان‌شناسی*، ۲۹(۲)، ۱۱۶-۱۰۹. doi: 20.1001.1.2383353.1399.9.2.1.6.109-116
- باقری، فاطمه، کیمیایی، سیدعلی و کارشکی، حسین. (۱۳۹۹). صمیمیت زناشویی: نقش تعیین‌کننده تمایز یافتگی خود و نیاز به امنیت در زنان متأهل غیر بالینی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۲)، ۲۶۱-۲۸۰. doi: 10.22054/QCCPC.2020.48598.2271
- برزگر کهنمویی، ساناز، محمدی، اکبر، زعفرانچی‌زاده، مینا و فولادی، فائزه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه تمایز یافتگی خود، اضطراب و رضایت زناشویی در زنان متأهل شهر تبریز. *زن و مطالعات خانواده*، ۷(۲۶)، ۴۱-۵۶. http://jwsf.iaut.ac.ir/article_519981.html
- بیرامی، منصور، فهیمی، صمد، اکبری، ابراهیم و امیری پیچاکلائی، احمد. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۴(۱)، ۶۴-۷۷. doi: 10.22038/JFMH.2012.935.77-64
- پروچاسکا، جیمز و جان، نورکراس. (۲۰۱۳). *نظریه‌های روان‌درمانی (نظام‌های روان‌درمانی) (تحلیل میان‌نظری)*، یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.
- ترابی، رضا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و خلاقیت با عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- تیموری آسفیچی، علی، غلامعلی لواسانی، مسعود و بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و خودتمایز سازی. *خانواده‌پژوهی*، ۸(۳۲)، ۴۴۱-۴۶۳. https://jfr.sbu.ac.ir/article_96175.html
- حسن‌زاده، لیلا. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش ابراز وجود بر کاهش اضطراب اجتماعی و افزایش تمایز یافتگی خود در دختران سال اول دبیرستان‌های اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان.

نقش مؤلفه‌های خودتمایزیافتگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی در زوجین؛ رافضی و صبوری | ۲۰۱

دلاور، علی. (۱۳۹۲). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: نشر ویرایش. رسولی، آراس. (۱۳۹۵). *تدوین مدل بومی کارکرد خانواده بر اساس مؤلفه‌های امید، صمیمیت و تعارض‌های زناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، جامعه، (۳)۷، ۳۹-۳۹*
doi:20.1001.1.20088566.1395.7.27.3.1.6۰

رضوانی، حورالعین و صائمی، حسن. (۱۳۹۸). *همبستگی تمایزیافتگی خود و نوروگرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر. مدیریت ارتقای سلامت، (۲)۸، ۲۳-۳۰*.
<http://jhpm.ir/article-1-912-fa.html>

رییس‌الساداتی، سیده‌فاطمه، نظربلند، ندا و خوش‌کنش، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). *بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی با میزان سازگاری زناشویی. مجله مطالعات ناتوانی، (۶)، ۲۸-۳۵*.
doi: 20.1001.1.23222840.1395.6.0.48.9.۳۵-۲۸

زارع‌گاریزی، معصومه، ابراهیمی‌مقدم، حسین و ابوالعالی‌الحسینی، خدیجه. (۱۳۹۹). *پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و صمیمیت با واسطه‌گری تمایزیافتگی خود. فصلنامه علمی روان‌شناسی کاربردی، (۱)۱۴، ۵۵-۵۵*
doi:10.52547/APS.Y.14.1.55.۷۶

شارف، ریچارد. اس. (۲۰۱۴). *نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره، مهرداد فیروز بخت، تهران: خدمات فرهنگی رسا.*

شولتز، دوان. (۱۹۹۰). *نظریه‌های شخصیت، یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامکا نقش‌بندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرانی، محمدرضا نیکخو، تهران: نشر ارسباران.*

صائمی، حسین، بشارت، محمدعلی و اصغرنازادفرید، علی‌اصغر. (۱۳۹۸). *پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس صمیمیت زناشویی و دشواری تنظیم هیجان. مجله علوم روان‌شناختی، (۷۸)۱۸، ۶۳۵-۶۴۵*.
<http://psychologicalscience.ir/article-1-56-fa.html>

طالبی، مریم و غباری‌بناب، باقر. (۱۳۹۱). *تعیین رابطه تمایزیافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهرود (ترنم، صبا، روزبه، بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران).* *زن و مطالعات خانواده، (۱۸)۵، ۱۵-۳۱*.
http://jwsf.iaut.ac.ir/article_519745_6b5ebdb942ce56da78dd45d91ab1d325.pdf

غیاثی، فاطمه. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش تاب‌آوری بر صمیمیت و سازگاری زناشویی در همسران جانباز شهر بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پردیس دانشگاهی قشم، دانشگاه هرمزگان.

فعله کار، اشکان، بردن، زهرا، دانایی کوشا، منا و مقدم‌فر، نصیره. (۱۳۹۸). ارتباط تمایز یافتگی خود و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق. نشریه پژوهش

پرستاری ایران، ۱۴(۶)، ۲۷-۳۴. <http://ijnr.ir/article-1-2130-fa.html>

قاسمی، یوسف و فتحی، الهام. (۱۳۹۸). نقش تمایز خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی. زن و مطالعات خانواده، ۱۲(۴۶)، ۷۷-

doi:10.30495/JWSF.2020.1897328.1439.۱۰۹

مرکز آمار ایران. (۱۴ دی ۱۴۰۰). ازدواج و طلاق ثبت‌شده در نقاط شهری. برگرفته از سایت

-دادها و -اطلاعات -آماري / جمعیت و -نیروی -کار / ازدواج و -

<http://amar.org.ir/5591746#> طلاق

مقیمي، سنبل، مرادی، امید، سیدالشهدایی، اسرین و احمدیان، حمزه. (۱۳۹۹). تدوین مدل ساختاری تعهد زناشویی بر اساس بخشایشگری و خودتمایز یافتگی با میانجی‌گری صمیمیت زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۰(۱)، ۶۹-

doi:20.1001.1.22516654.1399.10.1.4.5.۹۰

موحدی، معصومه، موحدی، یزدان و کریمی‌نژاد، کلثوم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه رضایت زناشویی، صمیمیت و کیفیت روابط زناشویی در متاهلین باگذشت. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی

خانواده، ۴(۴)، ۶۳۳-۶۵۲. doi:20.1001.1.22516654.1393.4.4.3.8.۶۵۲-۶۳۳

مهدی‌پوربازکیایی، مونا و صداقتی‌فرد، مجتبی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و صمیمیت زوجین با سازگاری در خانه. فصلنامه روان‌شناسی تحلیلی-شناختی، ۶(۲۲)، ۲۱-

<http://psy.journals.iau-۳۱>

garmsar.ac.ir/article_536305_d0381ea4dee1289b411f0e2f5a61b7f4.pdf

نیکولز، مایکل. (۲۰۱۰). خانواده‌درمانی، نظریه‌ها، مفاهیم و روش‌ها، محسن دهقانی، سمیه محمدی، آناهیتا گنجوی، فرزانه نجاریان، تهران: رشد.

یوسفی، ناصر و عزیزی، آرمان. (۱۳۹۷). تبیین مدلی برای پیش‌بینی تعارض زناشویی بر اساس تمایز یافتگی و تیپ‌های شخص. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹(۳۵)، ۵۷-

doi: 10.22054/QCCPC.2018.31499.1811.۷۸

یونسی، فاطمه. (۱۳۸۶). هنجاریابی و تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون خودتمایز سازی در بین افراد ۲۵-۵۰ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

- Beaird, M. (2013). *How to Nurture Your Emotional Connection*. Alabama Counseling and Consulting Center in Huntsville. http://www.covenantcc.co/sovlib/articles/how_to_nurture_your_emotional_connection.pdf
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York Jason Aronson.
- Buser, T. J., Pertuit, T. L., & Muller, D. L. (2019). Nonsuicidal self-injury, stress, and self-differentiation. *Adultspan Journal*, 18(1), 4-16. doi:10.1002/adsp.12065
- Chang, C. W., Yuan, R., & Chen, J. K. (2018). Social support and depression among Chinese adolescents: The mediating roles of self-esteem and self-efficacy. *Children and Youth Services Review*, 88, 128-134. doi:10.1016/j.chilyouth.2018.03.001
- Freitas, A. J. A. S. P. (2018). *Differentiation of self and marital adjustment across the family life cycle*. <https://repositorio-aberto.up.pt/bitstream/10216/116599/2/297648.pdf>
- Işık, E., Özbiler, Ş., Schweer-Collins, M. L., & Rodríguez-González, M. (2020). Differentiation of self predicts life satisfaction through marital adjustment. *The American Journal of Family Therapy*, 48(3), 235-249. doi:10.1080/01926187.2020.1732248
- Kardan-Souraki, M., Hamzehgardeshi, Z., Asadpour, I., Mohammadpour, R. A., & Khani, S. (2016). A review of marital intimacy-enhancing interventions among married individuals. *Global journal of health science*, 8(8), 74-93. [In Persian] doi: 10.5539/gjhs.v8n8p74
- Kim, H., Prouty, A. M., Smith, D. B., Ko, M. J., Wetchler, J. L., & Oh, J. E. (2015). Differentiation and healthy family functioning of Koreans in South Korea, South Koreans in the United States, and white Americans. *Journal of marital and family therapy*, 41(1), 72-85. doi:10.1111/jmft.12049
- Lampis, J., & Cataudella, S. (2019). Adult Attachment and Differentiation of Self-Constructs: A Possible Dialogue?. *Contemporary Family Therapy*, 41(3), 227-235. doi:10.1007/s10591-019-09489-7

- Lampis, J., Cataudella, S., Busonera, A., & Skowron, E. A. (2017). The role of differentiation of self and dyadic adjustment in predicting codependency. *Contemporary Family Therapy*, 39(1), 62-72. doi:10.1007/s10591-017-9403-4
- Lui, P. P., Samuel, D. B., Rollock, D., Leong, F. T., & Chang, E. C. (2020). Measurement invariance of the five factor model of personality: Facet-level analyses among Euro and Asian Americans. *Assessment*, 27(5), 887-902. doi:10.1177/1073191119873978
- Peleg, O., & Messerschmidt-Grandi, C. (2019). Differentiation of self and trait anxiety: A cross-cultural perspective. *International Journal of Psychology*, 54(6), 816-827. doi:10.1002/ijop.12535
- Peleg, O., & Rahal, A. (2012). Physiological symptoms and differentiation of self: A cross-cultural examination. *International Journal of Intercultural Relations*, 36(5), 719-727. doi:10.1016/j.ijintrel.2012.04.001
- Reić Ercegovac, I., & Bubić, A. (2016). Basic psychological needs predict participants' attitudes and expectations towards marriage. *Nordic psychology*, 68(2), 73-86. doi:10.1080/19012276.2015.1071200
- Rodríguez-González, M., Martins, M. V., Bell, C. A., Lafontaine, M. F., & Costa, M. E. (2019). Differentiation of self, psychological distress, and dyadic adjustment: Exploring an integrative model through an actor-partner analysis. *Contemporary Family Therapy*, 41(3), 293-303. doi:10.1007/s10591-019-09493-x
- Rodríguez-González, M., Skowron, E. A., Cagigal de Gregorio, V., & Muñoz San Roque, I. (2016). Differentiation of self, mate selection, and marital adjustment: Validity of postulates of Bowen theory in a Spanish sample. *The American Journal of Family Therapy*, 44(1), 11-23. doi:10.1080/01926187.2015.1099415
- Simon, H. L. M., DiPlacido, J., & Conway, J. M. (2019). Attachment styles in college students and depression: The mediating role of self-differentiation. *Mental Health & Prevention*, 13, 135-142. doi:10.1016/j.mhp.2019.01.011
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling psychology*, 45(3), 235-246. doi:10.1037/0022-0167.45.3.235
- Skowron, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of marital and family therapy*, 29(2), 209-222. doi:10.1111/j.1752-0606.2003.tb01201.x
- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological review*, 93(2), 119-135. doi:10.1037/0033-295X.93.2.119

- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2013). *Using Multivariate Statistics* (6th Ed.). Boston, MA Pearson.
- Van den Broucke, S., Vandereycken, W., & Vertommen, H. (1995). Marital intimacy: Conceptualization and assessment. *Clinical Psychology Review*, 15(3), 217-233. doi:10.1016/0272-7358(95)00007-C
- Walker, A. J., & Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and the Family*, 841-849. doi:10.2307/351796
- Wynne, L. C., & Wynne, A. R. (1986). The quest for intimacy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 12(4), 383-394. doi:10.1111/j.1752-0606.1986.tb00671.x
- Yoo, H., Bartle-Haring, S., Day, R. D., & Gangamma, R. (2014). Couple communication, emotional and sexual intimacy, and relationship satisfaction. *Journal of sex & marital therapy*, 40(4), 275-293. doi:10.1080/0092623X.2012.751072
- Yuan, Q., Fan, Z., & Leng, J. (2022). The Effect of Emotional Reactivity on Marital Quality in Chinese Couples: The Mediating Role of Perceived Partner Responsiveness. *Frontiers in Psychology*, 6634, 1-10. doi:10.3389/fpsyg.2021.787899
- Zeigler-Hill, V., & Shackelford, T. K. (Eds.). (2020). *Encyclopedia of personality and individual differences*. Cham: Springer International Publishing. doi:10.1007/978-3-319-24612-3_301995

استناد به این مقاله: رافضی، زهره، صبوری، ریحانه. (۱۴۰۱). نقش مؤلفه‌های خودتمایز یافتگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی در زوجین، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۵۱)، ۱۸۱-۲۰۵.

DOI: 10.22054/QCCPC.2022.65596.2867



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

